



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۲ آبان ۱۳۹۴

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الرابع: الغوص

مصادف با: ۲۰ محرم ۱۴۳۷

موضوع جزئی: مسئله ششم - عنبر (معنای عنبر و علت ذکر آن در این باب - اقول در مسئله)

جلسه: ۱۷

سال ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسئله ششم

«لو أخرج العنبر بالغوص جرى عليه حكمه و إن أخذ على وجه الماء أو الساحل فمن ارباح المكاسب، إذا أخذه المشتغل بذلك و مع العثور الإتفاقي دخل في مطلق الفائدة.»

در مسئله ششم امام (ره) درباره حکم عنبر می فرماید: اگر عنبر با فرو رفتن در آب و غوص استخراج شود، حکم غوص را پیدا می کند یعنی خمس به عنبر از باب غوص متعلق می شود و شروط و نصاب غوص در آن جریان پیدا می کند ولی اگر عنبر از روی آب یا در کنار دریا و ساحل اخذ شود، دو صورت دارد: تارةً شغل اخذ این است که کنار ساحل یا روی دریا می گردد تا عنبر پیدا کند و بفروشد که در این صورت خمس از باب ارباح مکاسب (نه از باب غوص) به عنبر تعلق می گیرد.

و اخری شغل اخذ این نیست بلکه به صورت اتفاقی عنبر را (کنار دریا و یا روی آب) پیدا می کند. در این صورت داخل در مطلق فائده می شود.

این مطلبی است که امام (ره) در مسئله شش فرموده است. ابتداءً ما باید بینم که عنبر چیست؟ اصلاً موضوع این مسئله را روشن کنیم چون در خود موضوع عنبر، اختلاف بسیاری واقع شده است و بعد درباره حکم عنبر بحث کنیم؛ چنانچه در مورد حکمش هم اختلاف زیادی است.

معنای عنبر

همان طور که لغویین گفته اند اقوال مختلفی درباره ماهیت عنبر بیان شده و ما در اینجا یک فهرستی از این اقوال را بیان می کنیم. در برخی کتب لغت، به همه این اقوال^۱ و در برخی کتب لغت^۲، به بعضی از این اقوال اشاره شده است. شاید جامعترین و کاملترین آنها مطلبی است که در تاج العروس آمده و ما خلاصه آن را بیان می کنیم:

بعضی گفته اند: عنبر "روث دابة بحرية" است؛ یعنی مدفوع یک حیوان دریایی است.

بعضی گفته اند: عنبر "سمكة كبيرة" یعنی یک ماهی بزرگی است که در فارسی به آن باله یا نهنگ می گویند لکن آنچه بوی خوش از آن متصاعد می شود، آن چیزی است که از او خارج می شود. عبارت این است: "والمشموم رجيعها"؛ رجیع هم به مدفوع می گویند و هم به چیزی که تُشخوار شده و بیرون آمده است (هر چیز برگردانده شده را رجیع می گویند). حال این

۱. تاج العروس، ج ۷، ص ۲۹۶.

۲. لسان العرب، ج ۴، ص ۶۱۰.

رجیع است که بو دارد. و قیل یوجد فی بطنها؛ بعضی گفته اند که عنبر چیزی است که در شکم این ماهی بزرگ قرار دارد. پس بعضی می‌گویند "رجیعا" و بعضی می‌گویند "یوجد فی بطنها".

بعضی گفته‌اند: «نِعَ عینِ فی البحر»؛ چیزی است که از چشمه‌ای از دریا خارج می‌شود. نه اینکه آب خارج شود، بلکه یک محلی در دریا است که از آن یک چیزهایی خارج می‌شوند که این بوی خوش را دارد.

بعضی گفته‌اند: «أَنه عیونٌ تتبع فی قعر البحر یصیر منها تبلعه الدواب و تقذفه»؛ عیون و چشمه‌هایی است در عمق دریا که از آن چیزی بیرون می‌آید و حیوانات دریایی آن را می‌بلعند و سپس بیرون می‌اندازند. و شاید همین که بلعیده می‌شود و بیرون انداخته می‌شود، موجب آن بوی خاص شود.

پنجم اینکه: «أَنه نبات فی قعر البحر»؛ اسم یک گیاهی در عمق دریا است.

ششم اینکه: «الأصح أَنه شمع عسل ببلاد الهند یجمد و ینزل البحر و مرعی نحله من الزهور الطیبة یکتسب طیبه منها»؛ اصح این است که این یک ماده‌ای مثل موم عسل است که در بلاد هند وجود دارد و سفت می‌شود و در دریا قرار می‌گیرد و بوی خود را از گل‌های خوش‌بو کسب می‌کند.

هفتم اینکه: «هو مادة صلبة لا طعم لها و لا ریح ألا إذا سُحقت او احرقت»؛ این یک ماده سختی است که نه طعم و نه بو دارد، مگر اینکه مالیده شود و یا سوزانده شود. یعنی در اثر مالش و سوزاندن طعم و ریح پیدا می‌کند.

ابن سینا بنا بر آنچه که در تاج العروس آمده عنبر را این چنین معنا کرده است: «المشموم یخرج من الشجر و أما یوجد فی اجواف السمک الذی تتبلعه»؛ این یک چیز بوییدنی است که در دریا از درخت خارج می‌شود و در شکم ماهی که آن را بلعیده یافت می‌شود

و هشتم آنکه عنبر همان زعفران است.

حال اگر بخواهیم از آنچه که در کلمات لغویین ذکر شده یک جمع بندی کنیم: عنبر عبارت است از یک ماده‌ای که بوی بسیار خوبی دارد «هو الطیب المعروف»؛ مثل مشک که از آهو گرفته می‌شود. اتفاقاً آن هم از ناف آهو اخذ می‌شود و خیلی خوشبو بوده و گران قیمت است.

اما مجمع البحرین قولی را نقل می‌کند که بر اساس آن عنبر از عمق دریا اخذ نمی‌شود. بلکه یا علی وجه الماء قرار دارد یا کنار ساحل است. عبارت مجمع البحرین این است: «و قیل انه یخرج من قعر البحر، یأکله بعض دوابه لدسومته فیقذفه رجیعا فیطفوا علی الماء فتلقیه الریح الی الساحل»؛ عنبر چیزی است که از قعر دریا خارج می‌شود و بعضی از حیوانات دریایی به خاطر پرچرب بودنش آن را می‌خورند و بعد آن را به عنوان فضله و مدفوع بیرون می‌اندازند و سپس روی آب می‌ایستند (چون سبک است)، و پس از آن باد آن را از روی آب به کنار دریا می‌آورد.

شاید اینکه ایشان گفته است: «فیطفوا علی الماء فتلقیه الریح الی الساحل»؛ بخاطر نکته‌ای باشد که ذکر کردم. فرق عنبر با سایر اشیاء قیمتی دریایی همین است که آنها سنگین‌اند و لذا رسوب در ماء می‌کنند اما عنبر، سنگین نیست بلکه غالباً به

خاطر اینکه سبک است روی آب می‌آید؛ حال اگر باد جریان پیدا کند، آن را کنار ساحل می‌آورد و اگر باد نیاید روی آب می‌ماند.

به هر حال اجمالاً این مسلم است که عنبر ماده‌ای بسیار خوشبو است و به یکی از طرقی که گفته شد تکون پیدا می‌کند و غالباً علی وجه الماء یا کنار ساحل پیدا می‌شود؛ البته در بعضی موارد ممکن است از داخل آب هم آخذ شود.

علت ذکر عنبر در باب غوص

حال علت اینکه عنبر در کنار غوص در این باب مورد تعرض واقع شده فقط به خاطر صحیحه حلبی است یعنی چون در آن روایت، سائل از امام سؤال کرده درباره حکم عنبر و غوص لؤلؤ؛ امام هم فرموده است: «علیه الخمس». همین ذکر عنبر در کنار لؤلؤ باعث شده است عنبر را در همین باب مورد بررسی قرار دهند. صحیحه حلبی این بود: «سألت ابا عبدالله (ع) عن العنبر و غوص اللؤلؤ فقال (ع) علیه الخمس...»^۱. اگر این روایت نبود، در این مقام ذکر نمی‌شد ولی ذکر این دو در کنار هم در روایت شاید باعث شده که اصحاب اینها را از باب واحد قلمداد کنند مخصوصاً این‌که هر دو دریایی اند و تکون هر دو هم در دریا است و ریشه‌اش هر چه که باشد در دریا پیدا می‌شود و بعضی موارد هم با غوص استحصال می‌شود لذا مجموعه اینها باعث شده که عنبر را در کنار آن چیزهایی که قیمتی است و از دریا خارج می‌شود، قرار دهند و حکمش را بیان کنند.

این مطلبی است که راجع به موضوع عنبر و ماهیت عنبر اجمالاً لازم بود گفته شود.

حال در اینکه عنبر در هر صورت متعلق خمس است، اختلافی نیست و اصل تعلق خمس به عنبر، اتفاقی است یا از باب غوص یا از باب ریح کسب و یا از باب مطلق فائده. اما اختلاف در وجه تعلق خمس است که از چه بابی خمس در آن واجب است. چون هر یک که باشد، آثار مخصوص خودش را دارد.

پس تا اینجا ما اجمالاً درباره موضوع این مسئله و اصل تعلق خمس به آن بحث کردیم. عمده بحث همین چیزی است که امام در مسئله ششم متعرض شدند.

نظر امام (ره)

ملاحظه فرمودید که امام (ره) در باب عنبر تفصیل داده و گفته‌اند که تارة عنبر با فرو رفتن در آب تحصیل می‌شود و اخری علی وجه الماء او علی الساحل، اگر از عمق آب خارج شود، مثل سایر موارد، حکم غوص در آن جاری می‌شود یعنی همان شروطی که برای خمس در باب غوص گفتیم و نصابش، این‌جا هم جریان پیدا می‌کند؛ اما اگر از روی آب گرفته شود یا در کنار ساحل، تارة توسط کسی اخذ می‌شود که شغلش این است، در این صورت خمس از باب ریح مکاسب است و اخری توسط کسی اخذ می‌شود که اتفاقی آن را پیدا کرده است، در این صورت از باب مطلق فائده باید خمس دهد.

نظر مرحوم سید

مرحوم سید نظرشان با امام (ره) متفاوت است. ایشان در مسئله ۲۷ عروة در کتاب الخمس اینگونه فرموده است: «العنبر اذا اخرج بالغوص جری علیه حکمه» این مثل نظر امام (ره) است «و إن اخذ علی وجه الماء أو الساحل ففی لحوق حکمه له

۱. تهذیب الأحكام، ج ۴، ص ۱۲۱، ح ۳۴۶؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۹۸، باب ۷، ابواب ما یجب فیہ الخمس، ح ۱.

وجهان، والاحوط للقوق و احوط منه اخراج خمسہ و ان لم يبلغ النصاب ايضاً.» مرحوم سيد می فرماید اما اگر عنبر از روی آب گرفته شود یا در کنار ساحل أخذ شود، آنوقت در اینکه ملحق به غوص شود، دو وجه است: یک وجه این است که ملحق می شود و یک وجه این است که ملحق نمی شود اما احوط آن است که ملحق می شود یعنی احتیاط واجب می کند و می گوید حکم غوص در آن جاری می شود. اینجا با نظر امام متفاوت است. امام فرموده: در این دو صورت، حکم غوص جاری نمی شود حال یا خمس از باب مطلق فائده به آن تعلق می گیرد یا از باب ربح کسب، ولی ملحق به غوص نمی شود؛ اما مرحوم سيد فرموده: «الاحوط للقوق». سپس می فرماید با اینکه ملحق به غوص می شود و در غوص، نصاب معتبر است اما احتیاط آن است که در باب عنبر، نصاب معتبر نیست.

حال این خودش یک نظر احتیاطی است. عمده این است که به نظر مرحوم سيد، به طور کلی و به نحو مطلق، عنبر ملحق به غوص است. حال چه بالغوص خارج شود و چه علی وجه الماء او الساحل اخذ شود، در هر صورت «یجری علیه حکم الغوص». ایشان در فرض اول فتوا می دهند و در فرض دوم احتیاط وجوبی می کنند ولی بالاخره به نحو مطلق عنبر را ملحق به غوص کرده اند.

اقوال در مسئله

با ملاحظه این دو نظر و سایر اقوال مجموعاً پنج قول در اینجا وجود دارد:

قول اول: عنبر به طور کلی از معادن محسوب می شود و حکم معدن در آن جاری می شود. وقتی می گوئیم حکم معدن یعنی نصابش بیست دینار است و همه آنچه را که در باب معدن گفتیم در اینجا جاری می شود. این قول را علامه حلی به شیخ مفید نسبت داده است.^۱

قول دوم: تفصیل بین اخذ عنبر بالغوص و بین اخذ من سطح الماء او الساحل به این بیان که در صورت اول یعنی اگر از عمق آب بالغوص خارج شود، ملحق به غوص است اما اگر از سطح ماء یا ساحل اخذ شود، حکم معدن در آن جریان پیدا می کند. این تفصیلی است که محقق حلی (صاحب شرایع) اختیار کرده^۲ و بسیاری هم به آن ملتزم شده اند. خود علامه حلی هم به این ملتزم شده است^۳؛ شهید اول هم نظرشان همین است^۴؛ نظر شهید ثانی هم همین است^۵.

قول سوم: تعلق خمس به عنبر مطلقاً. یعنی در همه صور چه عنبر بالغوص استخراج شود و چه من وجه الماء و چه از ساحل اخذ شود، در هر صورت باید خمسش داده شود از باب اینکه خودش به عنوان مستقل متعلق خمس است؛ یک عنوانی است که مستقلاً متعلق خمس است در کنار سایر عناوین و اساساً بحث الحاق به غوص مطرح نیست. این قول را صاحب مدارک فرموده است^۶.

۱. مختلف الشیعة، ج ۳، ص ۱۹۱، مسئله ۱۴۸.

۲. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. تذکره الفقها، ج ۵، ص ۴۲۰.

۴. دروس، ج ۱، ص ۲۶۱.

۵. مسالک الإفهام، ج ۱، ص ۴۶۴.

۶. مدارک الاحکام، ج ۵، ص ۳۷۸.

قول چهارم: خمس تعلق می‌گیرد به عنبر چون عنبر از مصادیق غوص است و در همه صور ملحق به غوص می‌شود. پس شروط غوص و نصاب غوص هم در آن معتبر است، این را کاشف الغطا فرموده است.^۱

قول پنجم: تفصیل مرحوم امام (ره)؛ تفصیل امام با همه این اقوال متفاوت است. در صورتی که از روی آب یا ساحل اخذ می‌شود، کسی فرقی نگذاشته بین جایی که آخذ شغلش این باشد یا به طور اتفاقی آن را اخذ کرده باشد. اما امام این تفصیل را بیان فرموده‌اند.

حال اگر بخواهیم نظر مرحوم سید را با این اقوال مقایسه کنیم مرحوم سید به کدام یک از این اقوال پنجگانه ملتزم شده است؟ قول اول که قطعاً نیست چراکه به طور کلی آن را از باب معدن دانسته است. قول دوم هم در یک فرض از باب معدن دانسته در حالی که مرحوم سید به طور کلی حکم غوص را جاری کرده، منتهی در یک جا فتوا داده و در یک فرض احتیاط وجوبی کرده است. پس قول دوم هم نیست. قول سوم یا چهارم باقی می‌ماند؛ قول سوم هم نیست چون قول سوم عنبر را یک عنوان مستقل قرار داده است. اگر قول چهارم باشد که خمس به عنوان غوص به آن تعلق بگیرد (چون مصداق غوص است) دیگر وجهی برای احتیاط نیست و باید در همه حالات فتوا دهد. مرحوم کاشف الغطا فتوا داده است به اینکه خمس در عنبر از باب غوص در همه صور واجب است. لذا اگر بخواهیم نظر مرحوم سید را نسبت به این اقوال در نظر بگیریم به نظر می‌رسد به همین قول چهارم نزدیک تر است ولی باز هم تفاوتی با آن دارد از این باب که در یک صورت احتیاط واجب کرده است.

بحث جلسه آینده: این اجمالی از اقوال در این مسئله بود. حال باید ببینیم که مستند این اقوال چیست و به خصوص مستند تفصیلی که امام در اینجا دادند چیست و سپس حق در مسئله را بیان کنیم.

«الحمد لله رب العالمین»